

## الواح ایلام

غلامرضا عسکری  
کارشناس تاریخ ایران باستان



تاریخ ایلام  
نویسنده: ماتیبو و لفگانگ استولپر  
مترجم: شهرام جلیلیان  
تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۹، ۱۵۹ صفحه

منابع ما درباره‌ی تاریخ ایلام بسیار محدود است. اگرچه مورخان بزرگی توانسته‌اند در این راستا کتب بالارزشی را به رشته‌ی تحریر درآورند، مانند تاریخ ایلام اثر پیر آمیه، با ترجمه‌ی شیرین بیانی، شوش تمدن شش هزارساله از پیر آمیه، ترجمه‌ی علی موسوی و شهریار ایلام از والتر هیتس، ترجمه‌ی پرویز رجبی، اما باید اذعان کرد که تاریخ جامعی از این دوره که بتواند همه‌ی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و هنری را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد، نوشته نشده است. این کتاب از این لحاظ حایز اهمیت است که بخش مهمی از تاریخ سیاسی ایلام را در ادوار مختلف مورد بحث و بررسی قرار داده است. با توجه به فقدان منابع در مورد تاریخ ایلام، این کتاب می‌تواند در پاره‌ای از موارد برای تاریخ ایلام رهگشا قلمداد شود.

نویسنده‌ی کتاب، ماتیبو و لفگانگ استولپر پژوهشگر آمریکایی و استاد مؤسسه‌ی شرقی دانشگاه شیکاگو است که در سال ۱۹۵۶ م. درجه‌ی کارشناسی خود را از دانشگاه هاروارد، در سال ۱۹۶۷ کارشناسی ارشد خود را از گروه زبان‌ها و ادبیات شرق نزدیک در دانشگاه میشیگان و در سال ۱۹۷۴ م. دکتری خود را از گروه مطالعات شرق باستان در دانشگاه میشیگان گرفته است. وی تا کنون چندین نوشته‌ی ارزشمند درباره‌ی تاریخ هخامنشیان، تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بابل در دوره‌ی هخامنشیان، تاریخ ایلام و زبان و کتیبه‌های ایلامی نگاشته است. این کتاب نخستین نوشته‌ای از او است که در ایران ترجمه شده است.

دکتر شهرام جلیلیان، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، با نثری روان و شیوا به ترجمه‌ی این کتاب پرداخته است. وی در برخی از موارد در پانویس متن به تطبیق گفته‌های نویسنده کتاب با دیگر مورخین تاریخ ایلام، نظیر والتر هیتس، پیر آمیه و جورج کامرون می‌پردازد تا به نوعی ذهن جستجوگر را به اندیشه در صحت و سقم مطالب وادارد. او چندین اثر دیگر را به زبان فارسی روان ترجمه کرده است که از آن جمله می‌توان به ایرانشهر از تورج دریایی اشاره کرد.

کتاب حاضر شامل مقدمه‌ی مترجم، مقدمه‌ی دکتر عبدالمجید ارفعی، گزیده‌ای از کتاب‌ها و مقالات استولپر، کویته‌نوشت‌ها، پیش‌گفتار است و ده فصل (پروتو-ایلامی، الواح عددی، الواح اداری پروتو-ایلامی A، کتیبه‌های خطی پروتو-ایلامی B، سلسله‌ای آغازین: اکد کهن و اوان، اور سوم و سیمشکی، دوره‌ی سوکل مَح، ایلام میانی، ایلام نو و فرجام سخن؛ واپسین پادشاهی‌ها) دارد. در پایان جدول‌ها، کتابنامه و نمایه آمده است.

فصل اول کتاب درباره‌ی پروتو-ایلامی است. این متن‌ها پیش‌درآمدی به تاریخ نوشتاری ایلام و بخشی از مجموعه‌ای گسترده از مسائل باستان‌شناختی است. نام

در یک متن متعلق به تن-وهوراتیر از ایدد اول  
به عنوان شاه سیمشکی و ایلام یاد شده است.  
این نخستین نشانه‌ی روشن درباره‌ی شیوه‌ای از  
فرمانروایی است که در سده‌های بعد تاریخ ایلام به  
خوبی تأیید شده است

## الواح ایلامی

داد. از سده‌ی ۲۲ پ.م. تنها دو اشاره‌ی کوتاه از ایلام در متن‌های گودئا، پادشاه لاگاش یافت شده است. (صص ۴۳-۴۴)

فصل ششم کتاب، اور سوم و سیمشکی (حدود ۲۱۰۰ تا ۱۹۰۰ پ.م.) را مورد بررسی قرار می‌دهد. در میانه‌ی پادشاهی شولگی (دومین پادشاه سلسله‌ی سوم اور) خوزستان تحت سلطه‌ی اور سوم بوده است. (صص ۴۵)

با آغاز پادشاهی امر-سین (۲۰۶۴-۲۰۳۸ پ.م.) جانشین شولگی، تمام خوزستان در سازمان‌های ایالتی پادشاهی اور سوم گنجانیده شد. در دوره‌ی پادشاهی شو-سین (۲۰۲۷-۲۰۲۹ پ.م.) جانشین امر-سین بارها شاهزادگان اور به انشان رفتند. آماج یورش‌های وی سرزمین سیمشکی، سرزمین مردم سو و انشان بود. (صص ۴۶-۴۷)

اما با به تخت نشستن ایبی-سین ایلامی‌ها دست به شورش زدند. به گزارش یادآوری‌های ادبی بابل کهن و اشاره‌های بابلی متأخر، خود ایبی-سین به انشان برده شد و در همان‌جا درگذشت. (ص ۵۰) لوحه‌های بابلی کهن از دوازده پادشاهی سیمشکی سخن به میان آورده‌اند. در متن‌های ایلامی متعلق به شیلهک-این-شوشینک، به سه تن از این پادشاهان برمی‌خوریم. باید گفت سیمشکی بیش‌تر عنوان یک منطقه بوده تا مکان جداگانه. مؤلف به نقل از یونگ، دره‌ی بروجرد را برای موقعیت جغرافیایی سیمشکی مناسب می‌داند. اسامی سه تن از پادشاهان سیمشکی به نام‌های گیرنم، تزیت و اِپرتی در متن‌های اداری به دست آمده از دوره‌ی امر-سین و شو-سین آمده است. در دوره‌ی پادشاهی ایبی-سین پادشاه اور و ایشی-اِرا پادشاه اسپین، پادشاه سیمشکی اور را تصرف کرد. (صص ۵۰-۵۲)

در متن‌های متعلق به شیلهک-این-شوشینک از سیمشکی‌ها به عنوان «پادشاهانی که نیاکان من بوده‌اند» یاد شده است. با این همه در یک متن متعلق به تن-وهوراتیر از ایدد اول به عنوان شاه سیمشکی و ایلام یاد شده است. این نخستین نشانه‌ی روشن درباره‌ی شیوه‌ای از فرمانروایی است که در سده‌های بعد تاریخ ایلام به خوبی تأیید شده است. (صص ۵۳-۵۴)

فصل هفتم کتاب به بحث درباره‌ی دوره‌ی سوکل‌مح (حدود ۱۹۰۰-۱۵۰۰ پ.م.) می‌پردازد. چون در این دوره پادشاهان ایلامی از لقب سومری «سوکل‌مح» که تا اندازه‌ای به معنای «نایب‌السلطنه‌ی بزرگ» است استفاده می‌کردند، این دوره از تاریخ ایلام به نام دوره‌ی سوکل‌مح خوانده شده است. گزینش این واژه به عنوان یک لقب شاهانه در ایلام، احتمالاً در نتیجه‌ی نفوذ سیاسی چشمگیر سوکل‌مح پادشاهی اور سوم در رخدادهای شرق بوده است. می‌توان گفت به واسطه‌ی همانندی لقب «سوکل» و واژه‌ی ایلامی «سوگیر» (پادشاه) ایلامی‌ها با علاقه این را پذیرفتند. (ص ۵۹)

دوره‌ی پادشاهی اِپرت (اِپرتی)، شیلهه و اد-هوشو، نخستین پادشاهی سه‌نفری ثبت‌شده‌ی دوره‌ی سوکل‌مح است. گویا کتیبه‌های ساختمانی ایلامی اِپرتی را به

پروتو-ایلامی که به این متن‌ها داده شده، به اسناد و شواهد موجود اشاره دارند که نیازمند بازشناسی دقیق الواح عددی، الواح اداری پروتو-ایلامی A و کتیبه‌های خطی پروتو-ایلامی B هستند. (صص ۲۵)

فصل دوم کتاب در مورد الواح عددی است. این الواح برای تأیید نقل و انتقال کالاها و رسیدگی به کارهای اداری و حسابی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. مؤلف در ادامه به الواح عددی همانندی که در تمدن‌های همزمان ایلام نظیر چغامیش، سیلک و... وجود داشتند، اشاره می‌کند. تاریخ قطعی پیشنهاد شده برای این الواح، بین نیمه و پایان هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد است. (صص ۲۷)

فصل سوم درباره‌ی الواح اداری پروتو-ایلامی A است. این الواح به واسطه‌ی استفاده از نشانه‌های عددی و غیر عددی شناخته می‌شوند. پراکندگی این الواح چشمگیر است. تا کنون بخش بزرگی از این الواح از شوش به دست آمده است. (صص ۲۹-۳۰)

فصل چهارم از کتیبه‌های خطی پروتو-ایلامی B سخن به میان می‌آورد. سومین مجموعه از اسنادی که معمولاً پروتو-ایلامی خوانده می‌شوند، نوزده متن نوشته شده از روی پیکره‌ها، ظروف و الواح گلی بزرگ هستند که به خطی نوشته شده‌اند که کم‌تر از صد نشانه دارد. از این متن‌ها، هفده متن از شوش، یک متن از گورستان شهیداد در کرمان و یک متن از مرودشت به دست آمده است. متن مرودشت تاریخ الواح پروتو-ایلامی B را به ۲۲۰۰ پیش از میلاد می‌رساند. این متن‌ها بیش از آن که اسناد رفت و آمده‌ی درون منطقه‌ای باشند، برای نوشتن نقل و انتقال‌های اداری و یا قرارداد بین سازمان‌های محلی و افراد استفاده می‌شده‌اند. (صص ۳۱-۳۳)

فصل پنجم مربوط به سلسله‌ای آغازین، اکد کهن و اوان (حدود ۲۶۰۰ تا ۲۱۰۰) است. مؤلف در این فصل ابتدا به تاریخ ایلام در متون پراکنده‌ی سومری می‌پردازد. در فهرست پادشاهان سومری که در حدود ۲۱۰۰ پ.م. نوشته شده است، گفته شده پادشاه کیش، ان-میرگسی (حدود ۲۶۰۰ پ.م.) جنگ‌افزارهای سرزمین ایلام را به غنیمت برد. فهرست پادشاهان سومری ۳۵۶ سال پادشاهی را به سلسله‌ی اوان نسبت می‌دهد و به سه پادشاه اشاره دارد که نام همه‌ی آن‌ها در دست‌نوشته‌های موجود آسیب دیده است. اشاره به نام پادشاهان در فهرست پادشاهان سومری، محدود به زمانی ۲۵۰۰ پ.م. را برای سلسله‌ی اوان به دست می‌دهد. نسخه‌های بابلی کهن قابل اعتمادی از کتیبه‌های سارگون اکدی (۲۳۳۴-۲۲۷۹ پ.م.)، یاد پیروزی‌های او را در جنگ با ایلام و برهشی (نام منطقه‌ای در کوهستان‌های آن سوی خوزستان) زنده نگاه داشته است. (صص ۳۵-۳۷) آخرین پادشاه اوان که نام او در فهرست بابلی کهن از شوش به دست آمده، پوزور-این-شوشینک است. او در کتیبه‌های خود آشکارا لقب شاهانه‌ی نیرومند و پادشاه اوان را مورد استفاده قرار

عنوان بنیان‌گذار سلسله‌ی سوکل مح ذکر می‌کنند، در حالی که شیلهه از سوی پادشاهان بعدی به عنوان نیای سوکل مح شناخته شد. (ص ۶۳) پیدایش این سلسله در ایلام همزمان با دوره‌ای از تغییرات سیاسی در میان‌رودان بود؛ زیرا بر اثر سقوط سلسله‌ی سوم اور درگیری‌هایی میان آن‌ها رخ داد. (ص ۶۵) پادشاهی سوکل مح، طولانی‌ترین ساختار سیاسی در تاریخ شناخته‌شده‌ی ایلام و دوره‌ی تغییرات سیاسی بزرگ در سرزمین ایلام بود. (ص ۷۱)

فصل هشتم کتاب، دوره‌ی ایلام میانی (حدود ۱۱۰۰ تا ۱۰۰۰ پ.م.) را مورد بررسی قرار می‌دهد. متن‌های میان‌رودانی آگاهی‌های بسیار اندکی را درباره‌ی ایلام در این برهه از زمان به دست می‌دهند. در یک کتیبه‌ی اکدی نقش یک مهر، که از کاوش‌های شوش به دست آمده است، نام کیدینو یا لقب پادشاه شوش و انزان آمده است که تاریخ آن را سده‌ی پانزدهم پ.م. نشان داده است. با وجود کمبود اسناد و شواهد می‌توان پنداشت که شالوده‌های سیاسی پادشاهی ایلام میانی هم در سوزیانا و هم در در کوه‌های انشان ریخته شده بود. (صص ۷۳-۷۴)

منابع ایلامی در این دوره بیش‌تر کتیبه‌های شاهانه‌ای هستند که بسیاری از آن‌ها متن‌های ساختمانی و اهدایی بودند و به خط ایلامی نوشته شده‌اند. یکی از پادشاهان این دوره کیدین-هوتران نام داشت که معاصر انلیل-نادین-شومی (۱۲۲۴ پ.م.) پادشاه بابل بود. (ص ۷۷) با آغاز پادشاهی او ایلام رفته‌رفته به عنوان هم‌وردی برای میان‌رودان و هم‌چون یک نیروی شتاب‌دهنده‌ی تغییر سیاسی، خود را درگیر رویدادهای سیاسی و نظامی میان‌رودان ساخت. انلیل-نادین-شومی قربانی یورش ایلامی‌ها شد. در سال ۱۲۲۴ پ.م. کیدین-هوتران به شمال بابل تاخت و با گذشتن از دجله و گرفتن نیبور، پادشاه بابل را از تخت فروکشید. پادشاهی کیدین-هوتران به گونه‌ای ناشناخته با پایان رسید و تا به پادشاهی رسیدن شوتروک-نهونته یک میان‌برده‌ی چهل ساله تا چهل و پنج ساله سپری شد. (صص ۸۲-۸۳)

شوتروک-نهونته پرستشگاه‌هایی را که هومبان-نومبان در لیان ساخته بود، بازسازی کرد و سنگ یادمانی یک پادشاه ناشناخته‌ی ایلام را از انزان و یک سنگ یادمان اونتشی-نیبریش را از دور-اوتنش (چغازنبیل) به شوش آورد. جانشین وی، پسرش کوتر-نهونته پس از سه سال انلیل-نادین-اح، آخرین پادشاه کاسی بابل را شکست داد و او را به همراه گروهی دیگری از مردم بابل به ایلام تبعید کرد. گذشته از آن، وی پیکره‌ی مردوک، خدای مقدس بابل را به ایلام فرستاد. جانشین وی، برادرش شیلهک-این-شوشینک بود. کتیبه‌های متعلق به وی گسترش پادشاهی ایلام میانی را نشان می‌دهند. بر اساس کتیبه‌ها، جانشین شیلهک-این-شوشینک، هوتوتوش-این-شوشینک بوده است. (صص ۸۴-۸۶) در یک ساختمان متعلق به دوره‌ی ایلام میانی در ملیان نزدیک به ۲۵۰ لوح اداری به دست آمده است که آن‌ها را به دوران هوتوتوش-این-شوشینک نسبت می‌دهند. در این دوره، نبوکد

نزار اول، پادشاه بابل به ایلام یورش آورد و پیکره‌ی مقدس مردوک را به بابل بازگرداند. (صص ۸۸-۸۹) بعد از مرگ هوتوتوش-این-شوشینک منابع ایلامی از ایلام سخن به میان نمی‌آورند تا این که یک کتیبه‌ی ایلامی نو از سده‌ی ۸ پ.م، شلهین-همرو-لگمژ، برادر ناتنی هوتوتوش را جانشین او می‌خواند. (ص ۹۰)

فصل نهم ایلام نو (حدود ۷۴۳ تا ۵۰۰ پ.م.) را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. پس از سقوط ایلام میانی، بر طبق منابع میان‌رودانی، دست کم پانزده مدعی تاج و تخت در ایلام به پادشاهی رسیدند. به گزارش رویدادنامه‌های بابلی در سال ۷۴۳ پ.م. هومبان-نیکش اول در ایلام به پادشاهی دست یافت. او در سال ۷۲۰ پ.م. یک سپاه ایلامی را برای کمک به مردوک-اپل-ایدین دوم، مدعی تاج و تخت پادشاهی بابل فرستاد و در نزدیکی شهر در با نیروهای سارگون جنگید. (ص ۹۲) به گزارش رویدادنامه‌های بابلی پس از مرگ هومبان-نیکش اول، تاج و تخت پادشاهی ایلام به پسر خواهرش، شوتروک-نهونته دوم رسید. متن‌های میان‌رودانی نشان می‌دهند که شوتروک-نهونته دوم در یورش انتقام‌جویانه‌ی سارگون دوم که ده سال پس از نبرد در انجام گرفته بود، شکست خورده و به کوهستان فرار کرده است. پس از آن سارگون بابل را تسخیر کرد و بر تخت بابل تکیه زد. شکست‌های شوتروک-نهونته به بهای از دست رفتن جان او تمام شد. او به دست برادرش، هلوئشو-این-شوشینک از تخت پادشاهی فرو کشیده شد. در این زمان سناخریب، پادشاه آشور برای نابودی ایلام از زمین و دریا نیرو گسیل کرد. هلوئوش در یک حمله‌ی غافلگیرانه شکست خورد و کشته شد. (صص ۹۳-۹۵)

از هومبان-نیمن، پادشاه بعدی ایلام هیچ کتیبه‌ی ایلامی به دست نیامده است. او در جنگ حوله در کنار پادشاه بابل، الیبی، (در لرستان؛ پارسوا) علیه آشور جنگید که نتیجه‌ی نداشت و آشوری‌ها به طرز هولناکی اهالی بابل را قتل عام کردند. (ص ۹۷)

اورتک آخرین پادشاه ایلامی است که نامش در رویدادنامه‌های بابلی آمده است. در آغاز پادشاهی او و آسارهیدون، پیوند میان آشور و ایلام به گونه‌ای شگفت‌انگیز دوستانه بود. اما پس از مرگ آسارهیدون، اورتک ناگهان به سرزمین بابل حمله برد و شهر بابل را مورد تهدید قرار داد. اما آشوربانیپال سپاهیان خود را برای رویارویی با وی فرستاد و اورتک را به سوی ایلام بازگرداند. اورتک پس از این نبرد درگذشت. (ص ۹۹)

به هر حال این سلسله توسط آشوربانیپال با از بین بردن پادشاهانی چون ت-اومان، ثمریتو، هومبان-نیکش دوم و هومبان-هلنش سوم به طرز بسیار فجیعی از بین رفت. (صص ۱۰۰-۱۰۴) اما این سرزمین برای همیشه از بین نرفت؛ پاره‌ای از متن‌های به دست آمده از شوش گزارش می‌دهند که این شهر در دوره‌ی نبوکد نزار دوم (۶۰۴-۵۸۲ پ.م.)، امل-مردوک و نرگل-شر-اوصور در سلطه‌ی بابلی‌ها

پس از مرگ هومبان-نیکش اول، تاج و تخت پادشاهی ایلام به پسر خواهرش، شوتروک-نهونته دوم رسید. متن‌های میان‌رودانی نشان می‌دهند که شوتروک-نهونته دوم در یورش انتقام‌جویانه‌ی سارگون دوم که ده سال پس از نبرد در انجام گرفته بود، شکست خورده و به کوهستان فرار کرده است

## الواح ایلامی

نکته‌ی قابل تأمل درباره‌ی الواح ایلامی این است که مؤلف حتی‌الامکان سعی کرده آن‌ها را از منظر زبان‌شناسی بررسی کند و ارتباط آن‌ها را با دیگر الواح به دست آمده از نجد ایران و سرزمین میان‌رودان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد

## الواح ایلامی

می‌کند. (ص ۴۸)

مؤلف همچنین از نظر حقوقی به متن‌های اکدی و سومری اشاره می‌کند. وی ادعان می‌کند این متن‌ها به تمرکز فزاینده‌ی دارایی‌ها در همه‌ی فعالیت‌های خرید، وام و ارث اشاره دارند و نیز جنبه‌های اقتصادی نظیر تفاوت اقتصادی فزاینده در بین جمعیت شوش و واگذاری زمین‌های دولتی به وابستگان حکومت و مداخله‌ی دستگاه پادشاهی در کارهای اقتصادی را شامل می‌شوند. این مسأله با توجه به نبود منابع کافی درباره‌ی مسائل حقوقی و اقتصادی می‌تواند اهمیت بسیاری داشته باشد و محققان را به تفحص و واکاوی تاریخ اقتصادی و مسائل حقوقی ایلام برانگیزد. (صص ۶۹-۷۰)

### نقاط ضعف کتاب

نویسنده هنگام تهاجم نرام-سین، پادشاه اکد به ایلام ذکر می‌کند که در نوشته‌های ادبی متأخر، از هجوم نرام-سین به ایلام یاد شده و نام پادشاهان ایلام در آن آمده است. اما خود هیچ نامی از این پادشاهان به میان نمی‌آورد. (ص ۴۰) وی در بعضی از توضیحات خود درباره‌ی جنگ‌های پادشاهان سومری در ایلام، از مکان‌هایی سخن می‌گوید، اما توضیحی در مورد این که در کجا واقع شده‌اند، ارائه نمی‌کند. به عنوان نمونه می‌نویسد سالنامه‌ها در هشتمین سال پادشاهی امر-سین که جنگی در هوهنور را گزارش می‌دهند... اما اشاره نمی‌کند که هوهنور در کجا واقع بوده است. درست است که نام بسیاری از مکان‌های آن دوره نامعلوم است ولی وی می‌توانست با بیان این مطلب که (جایگاه آن نامعلوم است)، این مسأله را در ذهن خواننده به گونه‌ای دیگر روشن سازد. (ص ۴۷)

در جای دیگر مؤلف دوباره از ذکر مکان شهر خودداری می‌کند. وی می‌گوید: جنگاوران ایلامی بیش از یک‌بار به درون کوهستان‌های بالای منطقه‌ی شهر در فشار آورده‌اند و پادشاه ایلام، کیدین-هوتران این شهر را غارت کرد. (صص ۸۲-۸۳)

نکته‌ای که در آخر به ذهن خواننده خطور می‌کند این است که مؤلف در ذکر به پادشاهی رسیدن شاهان ایلامی و مرگ آن‌ها، به خصوص پادشاهان معروف این سلسله شتاب‌زده عمل می‌کند و این موضوع را نادیده می‌گیرد. نویسنده هنگامی که از اهمیت کتیبه‌های شیلهک-این-شوشینک صحبت می‌کند، کارهای این پادشاه را به اجمال و مختصر بیان می‌کند و به جانشین وی، هوتلوتوش-این-شوشینک می‌پردازد و سخنی از مرگ پادشاه قبلی به میان نمی‌آورد. (ص ۸۷) این در حالی است که وقتی می‌خواهیم از پادشاه جدیدی سخن بگوییم، باید از چگونگی مرگ پادشاه پیشین و به قدرت رسیدن پادشاه جدید مطالبی را عنوان کنیم ولو این که مرگ آن پادشاه در هیچ کتیبه یا منبعی ذکر نشده باشد.

بوده است. البته نام سرزمین ایلام در دوره‌ی هخامنشی کماکان وجود داشته است و کورش بزرگ نام پادشاه انشان را برای خود انتخاب کرده بود. اما از دوره‌ی داریوش بزرگ نام ایلام در گستره‌ی تاریخ شاهنشاهی هخامنشی جای می‌گیرد. (صص ۱۰۵-۱۰۸)

فصل دهم کتاب درباره‌ی واپسین پادشاهی‌ها بحث می‌کند. در اسناد بابلی هخامنشی و ایلامی هخامنشی، گه‌گاه نام ایلام به عنوان یک مقصد یا واژه‌ی جغرافیایی و نه پدیده‌ی سیاسی استفاده شده است. ساتراپ پارسی ایلام، سوزیانا را در سلطه‌ی خویش داشت. اما منابع یونانی و رومی بخش‌های پیرامونی را به عنوان ماندگاه‌هایی در دست مردمانی که هرگز به سلطه‌ی شاهنشاهی هخامنشی درنیامده بودند می‌شناسانند. (ص ۱۱۱) در شمال کوسی‌ها، در دره‌های پرآب سیمره-کرخه، در جنوب شرقی خوزستان، اوکسی‌ها در فلهلیان و از همه مهم‌تر در شرق و شمال شرقی، الیماییس‌ها در کرانه‌ی کارون علیا و جراحی. پادشاهان هخامنشی به هر کدام از این گروه‌ها خودمختاری داده بودند و سالانه به آن‌ها پولی می‌پرداختند و به جای آن، مردمان جنگی و دام می‌گرفتند. الیماییس در سراسر دوره‌ی یونانی و پارتی خودمختاری خود را حفظ کرده بود، چنان که در سال ۱۴۷ پ.م. شوش به دست یکی از فرمانرویان ایلامی به نام کامناسکیرس افتاد. (صص ۱۱۲-۱۱۳)

### نقاط قوت کتاب

نکته‌ی قابل تأمل درباره‌ی الواح ایلامی این است که مؤلف حتی‌الامکان سعی کرده آن‌ها را از منظر زبان‌شناسی بررسی کند و ارتباط آن‌ها را با دیگر الواح به دست آمده از نجد ایران و سرزمین میان‌رودان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. وی مدعی است خط پروتو-ایلامی، خط مختص منطقه‌ی ایلام است و پیوند مستقیمی با همسایه‌های غربی خود نظیر سومر و آشور ندارد. وی پیدایش این خط را نشان‌دهنده‌ی پیدایی مرز بین میان‌رودان و سرزمین تاریخی ایلام قلمداد می‌کند. (ص ۳۲)

نگارنده همچنین در بررسی نام ایلام در کتیبه‌های سومری به مطالبی می‌پردازد که در دیگر کتبی که درباره‌ی تاریخ ایلام نگاشته شده‌اند، کم‌تر شاهد هستیم. به عنوان مثال در حماسه‌ی لوگلبند (از پادشاهان اوروک) از لشکرکشی‌های وی در آن سوی کوه‌های انشان در ارت سخن رانده است. (ص ۳۶) از نقاط قابل ملاحظه دیگر کتاب، اشاره‌ی مؤلف به پیک (چاپار) است. وی می‌گوید یادداشت‌هایی که در متن‌ها پیک نام گرفته و از بایگانی‌های اوما و گیرسو (لاگاش) به دست آمده، مقدار جیره‌های پرداخت شده به مسافران دولتی را نشان می‌دهند. این مسأله می‌تواند اهمیت اقتصادی پیک‌ها را در مرادوات ایلام با دیگر سرزمین‌ها نشان دهد. به عبارت بهتر، می‌تواند شمه‌ای از تاریخ اقتصادی ایلام را برای ما بازگو